رابطه سبک‌های رهبری مربیان و انسجام گروهی تیم‌های حاضر در دهمین المپیاد ورزشی دانشجویان پسر کشور (۱۳۸۹)

محسن وحدانی*، رضا شیخ یوسفی**، مهرداد محرم زاده***، میثاق حسینی کشتان****، جمشید جلیلوند*****

* کارشناس ارشد دانشگاه ارومیه
** کارشناس ارشد دانشگاه ارومیه
*** دانشیار دانشگاه ارومیه
**** دانشجوی دکتری دانشگاه گیلان
***** کارشناسی ارشد دانشگاه شهیدچمران اهواز

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۰۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین سبک‌های رهبری مربیان و انسجام گروهی تیم‌های انفرادی و گروهی حاضر در دهمین المپیاد ورزشی مؤسسات آموزش عالی کشور در تابستان ۱۳۸۹ است. نمونه این پژوهش ۳۲۱ نفر از ورزشکاران (N=1906) حاضر در المپیاد بودند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه ٤٠ سؤالی مقیاس رهبری در ورزش (LSS) (چلادورای، ۱۹۸۰) و پرسش‌نامه ۱۸ سؤالی محیط گروهی (GEQ) (کارون و همکاران، ۱۹۸۵) بوده که به ترتیب ادراک ورزشکاران از سبک رهبری مربی خود و انسجام گروهی تیم‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهد. ثبات درونی پرسش‌نامه‌ها در مطالعه‌ای راهنما و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب ۰.۸۵ و ۰.۷۳ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کالموگراف اسمیرنوف، t دو گروه مستقل، ضریب همبستگی پیرسون، تجزیه و تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر و تعقیبی بونفرونی در سطح معنی‌داری P≤۰/۰۵ استفاده شد. نتایج نشان داد مربیان از سبک رهبری آموزش و تمرین بیشتر و از سبک آمرانه کمتر استفاده می‌کنند.میزان انسجام تکلیف و اجتماعی در میان تیم‌های انفرادی و گروهی تفاوت معناداری نداشت. در پایان، نتایج نشان داد میان سبک‌های رهبری آموزش و تمرین، دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت با انسجام گروهی ارتباط مثبت و معنادار و میان سبک رهبری آمرانه با انسجام گروهی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک رهبری، انسجام گروهی، المپیاد ورزشی.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مقدمه

به عقیده فراست در بین سه عامل ورزشکار، مربی و تماشاگر، مربیان محور اصلی و رکن مهم تیم‌های ورزشی هستند. مربی در رهبری تیم به‌عنوان سازمان‌دهنده قوی و زیربنای هر پیشرفت مطرح است (۱). انشل معتقد است مربیان در نمایش رفتارهای درست الگوی پیروان خود هستند (۲). از دیدگاه مارتنز سبک رهبری[1] مربی راهی است که او به طور مشخص برای کمک به گروه انتخاب می‌کند تا وظایف محول‌شده را انجام دهد و در ضمن آن نیازهای گروه برآورده شود (۳). بیشتر مربیان موفق سبک‌های مربی‌گری گوناگونی را به کار می‌گیرند که گاهی اوقات به سرعت آن را عوض می‌کنند. رهبری مؤثر در ورزش تابعی از اجرای نقش‌ها و سبک‌های گوناگون است تا نیازهای ورزشکاران را برآورده سازد و به هدف‌های تیم دست یابد (۲). لازم است مربیان هم به اجرای مهارت‌های ورزشی و هم به مهارت‌های روانی افراد و تیم توجه کنند.

بنابراین، توجه به فرآیندهای فردی و گروهی یا نیازهای فردی ورزشکاران و تیم ضروری است و جزئی از کارآمدی مربی محسوب می‌شود (۱). تحقیقات مداوم در زمینه رهبری مربی می‌تواند باعث بهبود عملکرد مربی شود و ارزیابی مؤثر از رهبری مربی نقش بسزایی در رضایت ورزشکاران و عملکرد آنان دارد. به همین خاطر رفتار مؤثر مربی می‌تواند عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای در موفقیت و رضایت ورزشکاران باشد (٤).

گروه‌های ورزشکار از راه فرآیندی تکاملی مبدل به تیم می‌شوند. اگرچه تشکیل تیم همیشه از ترتیبی گام به گام پیروی نمی‌کند، فرایندی وجود دارد که گروهی از افراد را با هم گرد می‌آورد و توسط کنش‌ها و واکنش‌های چندی، مجموعه‌ای منسجم-یعنی تیم- پدیدار می‌شود. شناخت مربی از شکل‌گیری گروه در ورزش می‌تواند به استفاده از راهبردهایی بینجامد که هماهنگی بین اعضای تیم را تقویت می‌کند (۵).

کارون (۱۹۸۱) انسجام[2] را فرایند پویایی می‌داند که گروه تمایل دارد تا صمیمیت، وفاداری به یکدیگر و اتحاد و یکپارچگی در تعقیب اهداف گروه را تداوم بخشد (٦). انسجام اهمیت فوق‌العاده‌ای در پویایی تیم و گروه در ورزش دارد. زیرا در صحنه فرایندهای گروهی اثر فراگیری بر تعداد متغیرهای درون فردی از قبیل یکپارچگی، همکاری، تلاش و انگیزه دارد. در نتیجه این فرایند هم برون‌دادهای فردی مانند رضایت و عملکرد و هم برون‌دادهای گروهی مانند استحکام تیم و بهره‌وری عملکرد را تداوم می‌بخشد (۷).

اغلب از کارشناسان می‌شنویم که تیم قهرمان تیمی متشکل از قهرمانان را شکست خواهد داد، به همین دلیل است که انسجام تیمی می‌تواند درست به اندازه استعداد و توانایی فردی اعضای تیم دارای اهمیت باشد (۱).

کارون (۱۹۸۳) چهار عامل مؤثر بر انسجام تیمی را شناسایی کرد. عوامل «محیطی» شامل ملاحظات فرهنگی سازمانی و ملاحظات جغرافیایی است. عوامل «شخصی» به ویژگی‌های فردی، شناخت و انگیزش و رفتار اشاره می‌کند. عوامل «تیمی» شامل اندازه گروه، پیچیدگی نقش اعضای گروه، هنجارهای گروه، اثربخشی

[1] leadership style
[2] Cohesion

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جمعی و سابقه اعضای گروه است و در نهایت عوامل «رهبری» شامل سبک‌های رهبری و تصمیم‌گیری مربی، روابط شخصی میان بازیکنان و مربی و روابط بین تیم و مربی است (۷).

بنابراین، مربیان این پتانسیل را دارند که بر انسجام گروه تأثیر بگذارند. این عوامل رهبری ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق وساطت شخصی یا فاکتورهای تیمی اثر بگذارد (۷). انشل معتقد است مربیان توجه ویژه‌ای به اتحاد تیمی دارند، چرا که آن را اساس موفقیت تیم می‌دانند و در نتیجه فنونی به‌کارمی‌برند تا از وجود روح صمیمیت و یگانگی در بین بازیکنان مطمئن شوند (۲). اینجاست که نقش مربی به‌عنوان یک رهبر در ارتباط با انسجام تیمی بازیکنان برجسته و هویدا می‌گردد.

اگرچه دیدگاه‌های زیادی در زمینه سبک و رفتار رهبری در متون ارائه شده است، به نظر می‌رسد به دلیل عدم ارائه نظریه‌ها و مدل‌های تخصصی در زمینه ورزش تحقیقات کمی در این شاخه صورت گرفته باشد. چلادورای با طرح مدل چندبعدی رهبری در ورزش، رفتارهای مربی را متأثر از سه متغیر اصلی ویژگی‌های رهبر، ویژگی‌های موقعیتی و ویژگی‌های اعضا می‌داند. اما به نظر می‌رسد این رویکرد محدودیت‌هایی نیز داشت، چرا که این مدل فقط بر دو پیامد عملکرد و رضایتمندی ورزشکاران از رفتار مربی تأکید کرده است (۸).

هورن (۲۰۰۲) مدلی پیچیده‌تر از چلادورای و کارون طراحی کرد که در سه بخش به تشریح عوامل تأثیرگذار بر رفتار مربی و تأثیر رفتار مربی بر عملکرد و رضایتمندی ورزشکاران و روابط غیرمستقیم بین رفتار مربی و عملکرد ورزشکاران پرداخته است (۸).

در یکی از پژوهش‌هایی که چلادورای و کارون (۱۹۷۸) انجام دادند مشخص شد که کودکان ورزشکار سبک مربی‌گری ارتباط‌مدار را بر سبک مربی‌گری تکلیف‌گرا ترجیح دادند؛ به دیگر سخن، کودکان دوستی مربی را به‌عنوان بخش جدانشدنی نقش رهبری نیاز دارند. از سوی دیگر، معلوم شد ورزشکاران کالج، نیازهای ارتباطی اندکی دارند و در عوض رفتارهای مربی‌گری تکلیف‌گرا را ترجیح می‌دهند (۲). همین پژوهشگران در پژوهشی در سال ۱۹۸۳ دریافتند که سبک رهبری حمایت اجتماعی به طور تصاعدی در مربیان سطح مدارس راهنمایی تا سطح دانشگاه افزایش می‌یابد (۹). این می‌تواند با توجه به افزایش سطح بلوغ روانی و تکلیف، سبک قابل انتظاری باشد.

شمسایی و همکاران (۱۳۸٦) در لیگ برتر فوتبال نوجوانان به این نتیجه رسیدند که مربیان از سبک بازخورد مثبت و رفتار آموزشی بیشتر و از سبک آمرانه کمتر استفاده کردند (۱۰).

سرپاو همکاران (۱۹۹۸) در تحقیقی تحت عنوان الگوی رهبری در مسابقات بین‌المللی هندبال نشان دادند که هم از نظر ورزشکاران و هم از نظر مربیان سبک رفتار آموزشی غالب بود، در حالی که سبک آمرانه کمتر مورد استفاده قرار گرفته بود (۱۱).حسینی کشتان (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان داد مربیان لیگ برتر فوتبال ایران بیشتر از سبک رهبری آموزش و تمرین و کمتر از سبک دموکراتیک استفاده می‌کنند (۸).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]

چلادورای به همراه چند تن از همکاران ژاپنی در ارتباط میان فرهنگ و سبک رهبری مربی به نتایج جالبی دست یافتند. نتایج نشان داد در سطح دانشگاهی ورزشکاران مرد کانادا سبک تمرین و آموزش، رفتار دموکراتیک و بازخورد مثبت را ترجیح می‌دهند، در حالی که ژاپنی‌ها رفتار آمرانه و حمایت اجتماعی را بیشتر ترجیح می‌دهند (۱۲).

موروتی (۲۰۰۲) به بررسی این موضوع پرداخت که آیا نوع ورزش (انفرادی و گروهی) می‌تواند سبک رهبری مربیان را پیش‌گویی کند یا خیر؟ نتایج این مطالعه نشان داد هیچ تفاوت معناداری میان رفتار رهبری مربیان ورزشی تیم‌های انفرادی و گروهی وجود نداشت. آلفرمن[1] (۲۰۰۵) نشان داد جهت توسعه مهارت تیمی در ورزشکاران رشته‌های تیمی رفتار رهبری حمایت اجتماعی بیشتر مؤثر بود، اما در رشته‌های انفرادی سبک تمرین و آموزش اثرگذارتر بود (۱۳).

پس از اینکه کارون و همکاران (۱۹۸۵) مدل مفهومی از انسجام تیمی ارائه کردند، پژوهش‌های بیشتری در این زمینه صورت گرفت که اکثر این پژوهش‌ها به بررسی عوامل مؤثر بر انسجام تیمی پرداخته است.

مرادی و همکاران (۱۳۸۳) در تیم‌های لیگ برتر بسکتبال ایران و حسینی کشتان (۱۳۸٦) در تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران به نتایج مشابهی دست یافتند. نتایج نشان داد بجز سبک آمرانه که رابطه منفی و معنادار با انسجام گروهی داشت، بقیه سبک‌ها رابطه مثبت و معناداری داشتند (۱٤و۸). این در حالی است که شمسایی و همکاران (۱۳۸٦) در بررسی بازیکنان لیگ برتر فوتبال نوجوانان، میان رفتار آمرانه و دموکراتیک با انسجام گروهی رابطه منفی و معناداری یافتند. به نظر می‌رسد دلیل ارتباط منفی سبک دموکراتیک با انسجام، سطح پایین بلوغ روانی و تکلیف بازیکنان نوجوان باشد (۱۵).

در سطح تیم‌های دبیرستانی چاو[2] (۱۹۹۹) دریافت که سطوح بالای انسجام تکلیف با سبک رهبری رفتار آموزشی و تمرین و سبک دموکراتیک در ارتباط است و سطوح بالای انسجام اجتماعی با سبک رهبری دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت ارتباط دارد (۱٦).

اگرچه اکثر پژوهش‌های صورت‌گرفته حاکی از ارتباط میان انواع رفتارهای رهبری مربی با افزایش سطح انسجام تیمی تیم‌های ورزشی است، در این زمینه برخی نتایج ضد و نقیض هم وجود دارد. مثلاً پیس و کوزاب[3] (۱۹۹٤) در تیم‌های بسکتبال دبیرستان‌های دخترانه میان ابعاد رفتاری رهبری مربیان و انسجام اجتماعی رابطه معناداری پیدا نکردند (۱۷).

در سطح دانشگاهی هم پژوهش‌های مشابهی صورت گرفته است. کاتارین[4] (۲۰۰۲) در تیم‌های فوتبال دانشگاهی نشان داد مربیانی که از سبک‌های رفتاری آموزشی، دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت استفاده می‌کنند، تیم‌های منسجم‌تری دارند (۱۸). روناین[5] (۲۰۰٤) در پژوهشی با عنوان اثر رفتارهای مربی بر پویایی تیم در تیم‌های دانشجویی نشان داد بین ادراک ورزشکاران از انسجام گروهی در طول فصل با ادراک

[1] Alfermann
[2] Chaw
[3] Pease & kozub
[4] Catharine
[5] Ronayne

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]

آن‌ها از سطوح بالای رفتار آموزشی دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت، همچنین با سطوح پایینی از رفتار آمرانه و رفتار تنبیهی همبستگی مثبتی وجود دارد (۱۹). ربکا[1] (۲۰۰۷) میان نگرش[2] مربیان و ورزشکاران دربارهٔ انسجام تیمی تفاوت معناداری یافت (۲۰).

هانز لنک (۱۹٦۹) در مطالعه خود دربارهٔ دو تیم قایقرانی آلمان به این نتیجه دست یافت که تیم‌های ورزشی همکار[3] با وجود تعارض‌های درونی شدید می‌توانند به نتایج عملکرد حداکثری دست یابند. یعنی انسجام گروهی کم در موفقیت تیم پاروزنی المپیک آلمان اثر مثبت داشت (۲).

در پژوهش حاضر سبک رهبری مربیان در قالب پنج سبک بررسی شده است: ۱- رفتار تمرین و آموزش: به رفتارهایی گفته می‌شود که مربی به منظور بهبود اجرای ورزشکار از طریق آموزش‌های تکنیکی و در ورزش‌های تیمی به منظور هماهنگ نمودن فعالیت‌های اعضای تیم طرح‌ریزی می‌شود. ۲- رفتار دموکراتیک: رفتاری است که در آن مربی اجازه مشارکت ورزشکاران را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تعیین اهداف گروهی و روش‌های دستیابی به آن اهداف می‌دهد. ۳- رفتار مستبدانه (آمرانه): بدین صورت بازتاب پیدا می‌کند که مربی خود را از ورزشکاران جدا کرده و بر قدرت خویش تأکید می‌کند. ٤- رفتار حمایت اجتماعی: به این موضوع مربوط می‌شود که مربی تا چه حد در ارضای نیازهای متقابل شخصی ورزشکاران درگیر است و نهایتاً ٥- بازخورد مثبت محدوده‌ای است که مربی ورزشکاران را مورد تشویق و تقدیر قرار داده و از بازی و همکاریشان تعریف می‌کند (۲۱).

اما با توجه به مدل انسجام تیمی کارون، انسجام گروهی در دو بعد انسجام اجتماعی و انسجام تکلیف قابل بررسی است. انسجام اجتماعی عبارت است از میزان جذابیت بین فردی در بین اعضای گروه، یعنی میزانی که گروه اجازه می‌دهد فرد به هدف دلخواه خود برسد. انسجام تکلیف نیز عبارت است از ارزیابی عملی ورزشکاران از سطح تلاش هماهنگ یا کار تیمی گروه‌هایشان؛ به عبارت دیگر، انسجام تکلیف نشان می‌دهد که تا چه اندازه تیم و هریک از اعضای گروه به هدف‌های خود می‌رسند (۲۲).

بیشتر پژوهش‌ها و تحقیقات به عمل آمده در زمینه سبک رهبری و انسجام تیمی محدود به رشته‌ای خاص می‌شود و مطالعات بسیار محدودی در زمینه مقایسه دو عامل فوق در تیم‌های با کنش متقابل (گروهی) مانند فوتبال و بسکتبال و تیم‌های همکار (انفرادی) مانند قایقرانی و تنیس صورت گرفته است. و نمونه چنین پژوهشی در کشور انجام نشده است.

به همین منظور، در پژوهش حاضر، به بررسی ارتباط سبک رهبری مربیان و انسجام تیمی تیم‌های شرکت‌کننده در دهمین المپیاد ورزشی پسران کشور، که به میزبانی دانشگاه مازندران برگزار شد، می‌پردازیم. در این پژوهش همچنین به مقایسه دو عامل سبک رهبری مربیان و انسجام گروهی در رشته‌های با کنش متقابل[4](گروهی) و رشته‌های همکار[5] (انفرادی) می‌پردازیم.

[1]Rebacca
[2]Hans lenk
[3]Co-acting group
[4]Interacting group
[5]Co-acting

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]

روش‌شناسی

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را ورزشکاران کلیه رشته‌های گروهی و انفرادی شرکت‌کننده در دهمین المپیاد ورزشی کشور در سال ۱۳۸۹ (۱۹۰۶ نفر) با دامنه سنی ۱۹ تا ۳۵ سال تشکیل دادند. ۳۲۱ نفر نمونه با استفاده از جدول مورگان و به روش تصادفی طبقاتی از میان ۱۵رشته موجود انتخاب شدند. پس از اخذ مجوز از اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم و هماهنگی با کمیته ارزیابی و کمیته حراست ستاد مرکزی المپیاد، ۳۸۰ پرسش‌نامه با حضور در خوابگاه‌های دانشجویان توزیع شد و پس از تفکیک پرسش‌نامه‌های ناقص و پرسش‌نامه‌های کسانی که به صورت انفرادی در رشته‌های ورزشی شرکت داشتند، نهایتاً ۳۲۱ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش دو پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت. پرسش‌نامه **مقیاس رهبری در ورزش**، که در سال ۱۹۸۰ توسط چلادورای و صالح[1] بر اساس مدل چندبعدی رهبری در ورزش (چلادورای و صالح، ۱۹۷۸) برای بررسی و مطالعه رفتار مربیان در موقعیت‌های ورزشی تهیه شده است. این ابزار در قالب ٤٠ سؤال، رفتار مربیان را در پنج بعد رفتار آموزش و تمرین، آمرانه، دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت ارزیابی می‌کرد. یوسفی (۱۳۸٦) با اجرا روی ۲۰ ورزشکار دانشجو و با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ثبات درونی این پرسش‌نامه را در پنج زیرمقیاس نامبرده به ترتیب ۸٤٪، ۷۸٪، ۷۹٪، ۸۳٪ و ۷۱٪ گزارش کرد.پرسش‌نامه محیط گروهی (GEQ)[2] که توسط کارون، ویدمایر و براولی در سال ۱۹۸۵ بر اساس مدل مفهومی کارون (۱۹۸۲) برای اندازه‌گیری میزان انسجام گروهی در تیم‌های ورزشی تهیه شد و در قالب ۱۸ سؤال انسجام گروهی را در دو بعد انسجام اجتماعی و تکلیف ارزیابی کرد. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس نُه ارزشی لیکرت از کاملاً موافقم (۹) تا کاملاً مخالفم (۱) ارزش‌گذاری شده است. روایی پرسش‌نامه توسط اسپینک و کارون (۱۹۹۲) تأیید شده است. این پرسش‌نامه در سال ۱۳۸۳ توسط محمد مرادی مورد استفاده قرار گرفت. وی ثبات درونی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در هر خرده‌مقیاس به ترتیب r=۰/۷۲ و r=۰/۷۱گزارش کرده است.

روش پژوهش و روش آماری

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی – همبستگی است که به صورت میدانی انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. از آمار توصیفی برای بررسی توصیفی داده‌ها، طبقه‌بندی، محاسبه میانگین و رسم نمودارها و جداول استفاده شد. از آزمون‌های کالموگراف اسمیرنوف

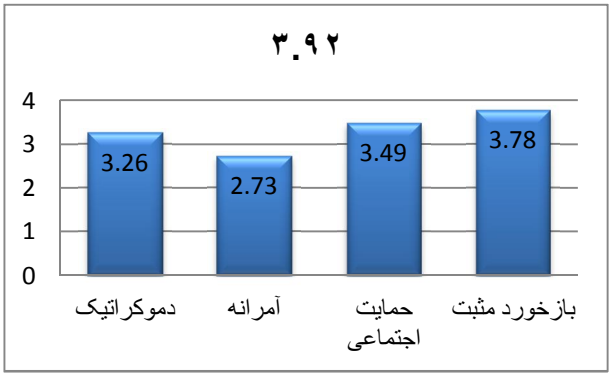
[1] Saleh
[2] Group environment questionnaire

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]

برای نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون تجزیه و تحلیل واریانس (اندازه‌گیری‌های مکرر- تعقیبی بونفرونی)برای مقایسه سبک‌های رهبری تیم‌ها، آزمونT برای مقایسه دو گروه مستقل (تیم‌های انفرادی و گروهی) و ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط میان سبک‌های رهبری و انسجام گروهی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss17 در سطح معنی‌داری $p<0.05$ صورت گرفت.

یافته‌ها

برای بررسی طبیعی‌بودن توزیع داده‌ها از آزمون کالموگراف- اسمیرنوف استفاده شد و با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده در هر آزمون، فرض طبیعی نبودن توزیع داده‌ها رد شد. نتایج آزمون تجزیه و تحلیل واریانس نشان داد بین سبک‌های مربی‌گری مربیان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در این تحقیق مربیان بیشتر از سبک رهبری آموزش و تمرین و کمتر از سبک رهبری آمرانه استفاده می‌کردند (شکل ۱).



شکل ۱- مقایسه سبک‌های رهبری

نتایج آزمون T مستقل نشان داد بین میزان انسجام تکلیف و اجتماعی تیم‌های انفرادی و گروهی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۱).

جدول۱-مقایسه انسجام گروهی در تیم‌های انفرادی و گروهی

ابعاد انسجام	گروه‌ها	میانگین	t	df	P
انسجام تکلیف	انفرادی	٦.٦٤	۰.۹٥	۳۱۹	۰.۳٤
	گروهی	٦.٧٨			
انسجام اجتماعی	انفرادی	٦.٤٩	۱.۳۲	۳۱۹	۰.۱۸
	گروهی	٦.٦٥			

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک‌های رهبری آموزش و تمرین، حمایت اجتماعی، دموکراتیک و بازخورد مثبت با انسجام تکلیف تیم‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، در حالی که بین

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]

سبک رهبری آمرانه با انسجام تکلیف رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین مشخص گردید بین سبک‌های رهبری آموزش و تمرین، حمایت اجتماعی، دموکراتیک و بازخورد مثبت با انسجام اجتماعی تیم‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، در حالی که بین سبک رهبری آمرانه با انسجام اجتماعی رابطه منفی ومعنی-داری وجود دارد (جدول ۲).

جدول۲. رابطه سبک‌های مربی‌گری و انسجام تکلیف و انسجام اجتماعی

	سبک رهبری / شاخص	آموزش و تمرین	آمرانه	دموکراتیک	حمایت اجتماعی	بازخورد مثبت
انسجام تکلیف	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۹	-۰/۱۰	۰/۲۴	۰/۲۵	۰/۳۴
	سطح معنی‌داری	۰/۰۵*	۰/۰۵۶	۰/۰۵*	۰/۰۵*	۰/۰۵*
انسجام اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۴	-۰/۱۴	۰/۱۷	۰/۲۳	۰/۲۹
	سطح معنی‌داری	۰/۰۵*	۰/۰۱۲*	۰/۰۰۲*	۰/۰۵*	۰/۰۵*

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مربیان در تیم‌های حاضر در المپیاد ورزشی دانشجویان بیشتر از سبک رهبری آموزش و تمرین و کمتر از سبک آمرانه استفاده می‌کنند. بنابراین، از دیدگاه بازیکنان مربیان بیشتر به آموزش‌های تکنیکی و تاکتیکی افراد و تیم و انجام تمرینات توجه می‌کنند و کمتربودن میزان سبک آمرانه بیانگر آن است که مربیان تاحدودی به بازیکنان اجازه شرکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تعیین اهداف گروهی و روش‌های دستیابی به اهداف را می‌دهند.

شمسایی و همکاران (۱۳۸٦) در لیگ برتر فوتبال نوجوانان، سرپا و همکاران (۱۹۹۸) در مسابقات بین‌المللی هندبال و حسینی کشتان (۲۰۱۰) در لیگ برتر فوتبال ایران گزارش کردند که مربیان سبک رهبری آموزش و تمرین را بیشتر به کار می‌برند که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد. این نتایج نشان می‌دهد مربیان در تمام سطوح سنی و در تمامی رشته‌ها به طراحی تمرین‌ها و آموزش‌های تکنیکی و تاکتیکی لازم جهت افزایش کارآیی و به دست آوردن نتیجه مطلوب می‌پردازند.

شمسایی و همکاران (۱۳۸٦) در لیگ برتر فوتبال نوجوانان، سرپا و همکاران (۱۹۹۸) در مسابقات بین‌المللی هندبال به این نتیجه رسیدند که مربیان از سبک آمرانه کمتر استفاده می‌کنند، که با نتایج این پژوهش همخوانی دارد، اما حسینی کشتان (۲۰۱۰) در لیگ برتر فوتبال دریافت که مربیان از سبک رهبری دموکراتیک کمتر استفاده می‌کنند که این تفاوت احتمالاً به دلیل نوع رشته ورزشی و سطح تیم‌های ورزشی است. در مجموع، در اکثر محیط‌های ورزشی سبک رهبری آمرانه کارایی کمتری دارد.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نتایج دیگر پژوهش نشان داد میزان انسجام تکلیف و انسجام اجتماعی در میان تیم‌های انفرادی و گروهی تفاوت معناداری ندارد. با توجه به اینکه این پژوهش رشته‌های بسیار متنوعی مورد بررسی قرار داده و نمونه‌های مورد بررسی دانشجویانی بودند که جدای از تیم، به‌عنوان دوستان صمیمی در کنار یکدیگر بودند، میزان انسجام در تیم های انفرادی و گروهی تفاوت معناداری نشان نداد.

با توجه به مدل پیشنهادی کارون (۱۹۸۲) دربارهٔ تأثیر عامل رهبری بر انسجام تیمی، نتایج این پژوهش ارتباط مثبت و معناداری میان انسجام گروهی با سبک‌های تمرین و آموزش، دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت و ارتباط منفی و معناداری میان انسجام گروهی با سبک رهبری آمرانه را نشان می‌دهد. این با نتایج پژوهش‌های مرادی و همکاران (۱۳۸۳)، حسینی کشتان (۲۰۱۰)، کاتارین (۲۰۰۲) و دوناین (۲۰۰٤) همخوانی دارد و با نتیجه پیس و کوزاب (۱۹۹٤) همخوانی ندارد. پیس و کوزاب (۱۹۹٤) در تیم‌های بسکتبال دبیرستان‌های دخترانه میان ابعاد رفتاری مربیان و انسجام اجتماعی رابطه معناداری پیدا نکردند. ضمن اینکه شمسایی و همکاران (۱۳۸٦) در لیگ برتر فوتبال نوجوانان میان رفتار آمرانه و دموکراتیک با انسجام گروهی ارتباط منفی و معناداری یافتند که تاحدودی به دلیل سطح پایین بلوغ آزمودنی‌هایشان با نتیجه حاضر متفاوت است.

بنابراین، با تأیید مدل پیشنهادی کارون (۱۹۸۲) می‌توان گفت رهبری یکی از عوامل مهم و مؤثر بر انسجام گروهی تیم‌ها است، به ویژه مربیانی که از سبک‌های رهبری تمرین و آموزش، دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت بیشتر و و از سبک آمرانه کمتر استفاده می‌کنند، تیم‌های منسجم‌تری دارند (۱٦). اگرچه این احتمال وجود دارد که برداشت بازیکنان از سبک رهبری و انسجام تیمی به وسیله عامل سومی به نام موفقیت تیمی تعدیل شود، با توجه به اینکه در این پژوهش اکثر پرسش‌نامه‌ها قبل از مسابقه یا در آغاز شروع مسابقات پخش شده بود و بازیکنان از موفقیت تیمی خود آگاهی نداشتند، عامل فوق بی‌اثر محسوب می‌شود. در پایان، به مربیان پیشنهاد می‌شود محیط روانی اجتماعی مناسبی برای دستیابی به اهداف تیمی بسازند. مربیان با استفاده از سبک رهبری مناسب در موقعیت‌های مختلف باید نیازهای ورزشکاران را برآورده سازند، بازیکنان را با مسئولیت‌های هم‌تیمی‌هایشان آشنا کنند و هنگام تمرین، آموزش و بازی از شوخی و تحسین کلامی و غیرکلامی (بازخورد مثبت) استفاده نمایند. مربی نباید به بازیکنان اجازه دهد که احساس هم‌تیمی‌هایشان را جریحه‌دار کنند و میان بازیکنان گردهمایی‌های دوره‌ای برای بحث دربارهٔ چگونگی پیشرفت کارها برگزار کند و از بازیکنان در تصمیم‌گیری‌های آینده کمک بگیرد. مربیان باید با بازیکنان در تماس باشند و اطلاعات شخصی هر بازیکن را داشته باشند و با آن‌ها رابطه دوستی برقرار نمایند. ضمن اینکه با ارائه طرح‌ها و برنامه‌های تکنیکی و تاکتیکی مناسب سعی در افزایش نقاط قوت و کاهش نقاط ضعف بازیکنان داشته باشند و نهایتاً هنگام استفاده از سبک آمرانه احتیاط بیشتری به خرج دهند، چرا که رفتار آمرانه می‌تواند کاهش انسجام و در نتیجه افت عملکرد فردی و گروهی را به همراه داشته باشد.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]

منابع

۱. جاریوس، مت، (۱۳۸۸)، روان شناسی ورزش، ترجمه نورعلی خواجوند، انتشارات دستان.
۲. انشل، مارکاچ، (۱۳۸۰)، روانشناسی ورزش، ازتئوری تاعمل، ترجمهٔ سیدعلی اصغر مسدد، انتشارات اطلاعات.
۳. مارتنز، رینر، (۱۳۸۵)، روانشناسی ورزشی، راهنمای مربیان، ترجمهٔ محمد خبیری، انتشارات بامداد کتاب.
4. cakioglu,asli.(2003), leadership and satisfaction in soccer:examination of congruence and players' position, in partial fulfillment of the requirements for the degree ofmaster of sciencein the department of physical education and sport, middle east technical university.
۵. محرم زاده، مهرداد؛ و کاظم مهری، (۱۳۸۶)، مدیریت مشارکتی در سازمان‌های ورزشی، انتشارات جهاد دانشگاهی آذربایجان غربی، ارومیه.
۶. رابرتس، گلین؛ کوین اسپینک؛ و پمبرتن سینتیال، (۱۳۸۸)، آموزش روان شناسی ورزش، ترجمه محمد کاظم واعظ موسوی و معصومه شجاعی، انتشارات رشد، تهران.
7. Hagger, M., and chatzisarantis, N., (2005), Social psychology of Exercise and sport, Published titles. New York
8. Hoseini K. M, (2010), The Relationship Between Collective Efficacy and Coaching Behaviors in Professional Volleyball League of Iran Clubs, World Journal of Sport Sciences 3 (1), 1-6
9. Chelladura, P., &Carron, A.V. (1983). Athletic Maturity and preferred leadership. Journal of Sport Psychology, Vol. 5, 371-380
۱۰. شمسایی، نبی؛ خانی، نادر، یوسفی، بهرام. (۱۳۸۸)، رابطه بین ابعاد رفتاری رهبری با انسجام گروهی و عملکرد تیم‌های حاضر در مسابقات لیگ برتر فوتبال نوجوانان ایران، نشریه پژوهش در علوم ورزش، شماره ۲۲، صفحه ۱۳۱تا۱۵۱.
11. Serpa,S., Panico, v.santos, (1991)."leadership pattern in handball international competition",international journal of sport psychology,22,pp:78-89
12. Chelladurai, P.; Imamura, H.; Yamaguchi, Y.; Oinuma, Y., & Miauchi, T. (1988).Sport leadership in cross-national setting: The case of Japanese and Canadian university athletes. Journal of Sport and Exercise Psychology, Vol.10, 374-389
13. Alfermann, D., Lee, M., & Würth, S. (2005), Perceived leadership behavior and motivational climate as antecedents of adolescent athletes' skill development, The online journal of sport psychology
۱۴. مرادی، محمد رضا؛ کوزه چیان، هاشم؛ احسانی، محمد؛ و جعفری، اکرم (۱۳۸۳)، رابطه سبک رهبری با انسجام گروهی بازیکنان در تیم‌های بسکتبال باشگاه‌های لیگ برتر کشور،نشریه حرکت،شماره ۲۹،صفحه ۱۶-۵
15. Chaw, M. and Bruce, H. (1999). "Leadership & Cohesion in Sport Teams". Journal of Sport Psychology. (10) pp: 102-111
16. Peace, D.G., and S.A. Kozub (1994). "Perceived Coaching Behaviors and Team Cohesion in High School, Girl's Basketball Teams". Journal of Sport & Exercise Psychology. (16): 85-83.
17. Rang C.O. (2002)."The relationship between group cohesion and leadership style and win/loss record in collegiate soccer player". Unpublished thesis. San Diego state university.USA.
18. Ronayne, L.S. (2004). Effects of Coaching Behaviors on Team Dynamics: How Coaching Behaviors,Influence Team Cohesion and Collective Efficacy over the Course of a Season. Master of Science in Sport Studies. Physical Education, Health, and Sport Studies. Miami University
19. Rebecca, A., Zakrajsek, Christiaan. G., Abildso, J., Hurst, R., and. Watson,Jack. C. (2007), The Relationships Among Coaches' and Athletes' Perceptions of Coaching Staff Cohesion, Team Cohesion, and Performance,the online journal of sport psychology
۲۰. محرم زاده،مهرداد، (۱۳۸۸)، مدیریت سازمان های ورزشی،انتشارات جهاد دانشگاهی آذربایجان غربی،ارومیه
21. Carron, A.V., and Brawley, L., and Widmeyer, W. (1998). The Measurement ofCohesiveness in Sport Groups. In J. L. Duda (Ed.), Advancements in sport and exercise psychology measurements. Morgantown, WV: Fitness Information Technology
۲۲. رابرتس،گلین؛ کوین اسپینک؛و پمبرتن سینتیال، (۱۳۸۸)، آموزش روان شناسی ورزش،ترجمه واعظ موسوی، محمد کاظم و شجاعی، معصومه ،انتشارات رشد،تهران

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]

The Relationship between Coach's Leadership Styles and Group Cohesion in Teams Participating in the 10th Domestic Universiade (Male Students)

Vahdani, M., (M.A.) Urmia University
Sheikh Yoosefi, R., (M.A.) Urmia University
Moharramzadeh, M., (Ph.D.) Urmia University
Hoseini Keshtan, M.,Ph.D. Student, Guilan University
jalilvand, J.,(M.A) Chamran University

Abstract

The present study examined the relationship between coach's leadership styles and group cohesion in the individual and group teams participating in the 10th sport domestic universiade of male students. 321 out of 1906 students selected as sample of this study. Athletes completed two instruments in this study; Leadership Scale for Sport (LSS, Chelladurai & Saleh, 1980) and the Group Environment Questionnaire (GEQ, Carron, Widmeyer, & Brawley, 1985). The LSS contains 40 items that measures five dimensions of leadership styles and The GEQ with 18 items assess the two dimensions group cohesion. Cronbach's alpha coefficient was utilized to examine the internal reliability of LSS (r=0.85) and GEQ (r=0.72). Data were analyzed with one-sample kolmogrov-Smirnov, repeated measures ANOVA, Bonfferoni post hoc test,Pearson Correlation coefficient, and T-test(for independent groups), significance level of P≤0.05. Results showed coaches exhibited higher in training and instruction and lower in autocratic style among both interactive group teams and co-acting teams. Finally, there are no significant differences in task and social levels of interactive group teams and co-acting teams. Results showed coach's styles of training and instruction, democratic, social support and positive feedback were all positively correlated to group cohesion and autocratic style negatively correlated to group cohesion.

Key words: Coaches' leadership styles, Group cohesion, Domestic universiade.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-10-30]